



آقای عارف بد کردید

یدالله اسلامی، نماینده ادوار مجلس با انتشار یادداشتی در کانال تلگرامی اش نوشت: «گزینش استاندار یزد از میان مخالفین اصلاحات و با بی‌اعتنایی به نظر آقای خاتمی دست‌پخت بی‌مزه و آلوده‌ای است که به آسانی از یاد نخواهد رفت. پیام این گزینش بی‌اعتنایی به رای اصلاح‌طلبان و بدتر از همه توهین به آقای خاتمی است. هم رای آقای پزشکیان و هم جایگاه سیاسی و مدیریتی یافتن آقای عارف مدیون آقای خاتمی است. آقای عارف با این بی‌اعتنایی و حرمت‌شکنی، در پی فرستادن چه پیامی است؟» او در ادامه نوشت: «در نشست‌های گوناگون در این باره بحث و سخن بسیار است و این رفتار واکنشی به گذشته‌ای است که بنای باز کردن آن را ندارم ولی باصدای بلند می‌گویم که آقای عارف بد کردید، در این چندروزه هر چه باخود کلنجار رفتم که در این مورد نگویم، نتوانستم. اگر حرمت بزرگان پاس داشته نشود هیچ حریمی امن و در امان نخواهد ماند. گمان نکنید که با گذر از آقای خاتمی ما با شما می‌مانیم. حتی اگر آقای خاتمی با بزرگی ذاتی این کار خرد و بی‌خردی را با بی‌اعتنایی کامل پشت سر بگذارند ما نمی‌توانیم بگوئیم که ان‌شالله بز است.»



لایحه حجاب و حل مشکلات فرهنگی

مرتضی آقانهانی، نماینده مجلس دوازدهم در نشست اعضای کمیسیون فرهنگی استان اردبیل مدیران دستگاه‌های فرهنگی استان اردبیل گفت: «تصویب قانون حجاب و عفاف با ارجاع به شورای نگهبان انجام شده و با انتقال توسط رئیس مجلس به رئیس‌جمهور برای ابلاغ و اجرا، نهای می‌شود.» او ادامه داد: «اجرای این قانون حدود چهارپنجم از مسائل فرهنگی را حل می‌کند و در راستای عملی شدن کامل آن، آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد و وزارت‌خانه‌ها روی کار می‌آیند و در صورتی که محقق نشود، نماینده می‌تواند وزیر را استیضاح کند.»

ادامه سر مقاله

قانون فرزندآوری شما جز تورم وحشتناک و کاهش زادوولد چه نتیجه دیگری داشته است؟ حتی برای مسائل اقتصادی هم قانون مفیدی ندارد، چه رسد به مسائل فرهنگی که به اجماع عقلا راه‌حل مجازاتی ندارد، بلکه مسائل فرهنگی راه‌حل‌های فرهنگی دارد و نه قضایی و مجازات. چرا فقر و فساد و تبعیض را با یک قیام و قعود حل نمی‌کنید؟

مطابق قانون اساسی و حتی شورای نگهبان، لایحه جزایی را باید قوه‌قضائیه تدوین و از طریق دولت به مجلس ارسال کند. زیرا مجری قوانین جزایی، پلیس و دستگاه قضایی است و نمایندگان نمی‌توانند هر چیزی را که خواستند تصویب و برای اجرا به آنان ابلاغ کنند. اگر چنین است، پس نمایندگان نمی‌توانند لایحه قضایی را چنان تغییر دهند که با متن اولیه‌ای که به مجلس فرستاده شده است، هیچ نسبتی نداشته باشد. قانون مصوب فعلی ربط منطقی با لایحه‌ارسالی اولیه ندارد و قابل اجرا نیست و بحران‌زاست و به همین دلیل مسکوت مانده است. اصرار گروهی از نمایندگان که در تدوین این قانون مشارکت ویژه داشته‌اند را باید به نحو دیگری تعبیر و تفسیر کرد که در زمان مناسب به آن پرداخته خواهد شد.

تاریخ سیاست



دولت‌ها و احزاب

بازخوانی تعامل و ارتباط رؤسای جمهور با گروه‌های سیاسی

می‌توان در نقش غیرملموس احزاب و تشکل‌های سیاسی در کشور دانست. صادق زیباکلام و مرتضی مقتدایی در پژوهشی نقش احزاب را در توسعه سیاسی ایران بررسی کردند و در توضیح اینکه چرا احزاب واقعی در ایران شکل نگرفتند اینگونه توضیح دادند که احزاب در ایران دستوری هستند و در سه قالب در ایران ظاهر شدند: «۱- احزابی که متکی به یک شخصیت بوده و بر محور فردیت شکل گرفته‌اند، ۲- احزابی که با سفارش نظام حاکم توسط کارگزاران برجسته به‌وجود آمده‌اند و ۳- احزابی که بنا بر شرایط ویژه سیاسی پدیدار شده و به‌عبارتی احزاب واکنشی‌اند.» از نظر آنها در این پژوهش «هیچ‌یک از احزاب و تشکل‌های سیاسی که در جامعه وجود دارند از پائین شکل نگرفته‌اند، یعنی عده‌ای از اصحاب دولت، افرادی که هر کدام تشخیص سیاسی دارند و یک وزنه سیاسی به شمار می‌آیند کارگزاران یا روحانیت، روحانیون، سازمان‌های مجاهدین انقلاب و... را تشکیل داده‌اند و کلیاتی را هم مطرح کرده‌اند؛ همین و بس. بنابراین بسیاری از احزاب در حقیقت فقط یک اسم هستند و یک حزب واقعی نیستند» اما با همه این تفاسیر برخورد دولت‌ها با احزاب و تشکل‌های سیاسی موافق و مخالف متفاوت بوده است.

از ابتدای انقلاب تا دولت اصلاحات

در بازه زمانی ابتدای انقلاب حضور و فعالیت حزب جمهوری اسلامی، نهضت آزادی، حزب توده، سازمان مجاهدین خلق، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، مؤتلفه اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز به‌عنوان بازیگران تشکیلاتی مورد توجه قرار داشت. آنجا که اعضای دولت موقت بیش از آنکه از نحوه تعاملات بگویند از دخالت‌های حزب جمهوری اسلامی گفتند و خط امامی‌ها و جناح چپ موجود را مقصر استغفاها و اشتباهات معرفی کرده‌اند، یا ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس‌جمهور از اختلافاتش با حزب جمهوری و تلاش برخی اعضای تشکیلاتی غیر همسو با دولتشان از جمله حسن آیت برای کودتا گفته است و ارتباط نزدیکی که با مجاهدین خلق برقرار کرده است؛ البته او به دلیل حضور اعضای حزب جمهوری اسلامی در ارکان مختلف کشور و نزدیکی با امام خمینی با همه نقدهایی که مطرح می‌کرد هیچ وقت دل خوشی از آن نداشت، مگر به اجبار در بخش‌های مختلف از تعامل با آنها سخن می‌گفت. دولت پس از او هم که دولتی به ریاست جمهوری محمدعلی رجایی بود و نزدیکی به حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در ساز و کار آن به چشم می‌خورد و بازه زمانی اش آن قدر کوتاه بود که نوع تعاملش با جریان‌های غیرهمسو مشخص نبود. البته اختلافات با نهضت آزادی و ملی-مذهبی‌ها که از دوره بنی‌صدر شروع شده بود به مرور پررنگ‌تر می‌شود و عملاً این تشکیلات را که پس از دولت موقت نقش آفرینی و کم‌رنگی داشتند؛ در این دوره به حاشیه رانده شدند. در دوره ریاست جمهوری آیت‌الله علی خامنه‌ای هم که اختلافات سیاسی و جریان‌های همسو و غیرهمسو در خود حزب جمهوری در کنار تشکل‌هایی مانند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جامعه روحانیت و مجمع روحانیون مبارز



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست

دیدار مسعود پزشکیان با اعضای جبهه پایداری و رویکردی که او در زمان تشکیل کابینه و حالا در انتخاب استانداران در پیش گرفته است، یکبار دیگر موضوع تحزب و اهمیت دادن به جایگاه احزاب در دولت‌ها را پررنگ کرده است. دولت‌های جمهوری اسلامی رویکردهای متفاوتی نسبت به احزاب در پیش گرفتند. بنابراین ابتدا باید دید که آیا توجه به کلیت احزاب در دولت‌های جمهوری اسلامی و تعامل آنها به عنوان رابط بین مردم و دولت‌ها در هر کدام از دولت‌ها تعریف شده بود یا خیر که پس از آن به دنبال تعامل آنها با احزاب موافق و مخالف در هر دوره برویم. تحزب و فعالیت احزاب حداقل در ابتدای انقلاب در میان انقلابیون مورد توجه قرار داشت و همین هم موجب شد در فاصله زمانی اندکی از پیروزی انقلاب سیاسیون حزب «جمهوری اسلامی» را برای ادامه فعالیت‌شان در حوزه سیاسی راه بیاندازند و به مرور زمان تشکل‌های سیاسی مختلف در کنار آنها به پیش از پیروزی انقلاب شکل گرفته بودند، مشغول به کار شدند و فراز و فرود، دوری و نزدیکی آنها به قدرت و ظهور و حذف آنها در ۴۵ سال گذشته مسیر سیاست داخلی کشور را شکل داده است. حالا ۷۴ حزب ملی، ۳۱ حزب استانی به همراه ۲۱ جبهه و ائتلاف سیاسی، تعداد احزاب و تشکل‌های سیاسی است که در کشور فعالیت می‌کنند. آنها می‌توانند به عنوان رابط بین دولت و ملت‌ها عمل کرده و معیار توسعه سیاسی در هر کشوری محسوب شوند، چه آنکه یکی از شروط اولیه وجود حکومتی دموکراتیک، ابتدا وجود احزاب و تشکل‌های گوناگون است. احزاب و تشکل‌ها در کشور ما اما جایگاه مناسبی نه در دولت دارند و نه در بین ملت چندان شناخته‌شده و مورد پذیرش هستند.

اغلب تشکل‌های سیاسی در کشور ما تنها در زمان برگزاری انتخابات‌ها خرده‌فعالیتی دارند و پس از اتمام انتخابات بساط احزاب و تشکل‌ها تا حد بسیاری جمع می‌شود تا دوره بعدی. اما برخی از آنها نمادی از یک جریان هستند که اگرچه ذیل همان دو عنوان کلی اصلاح‌طلب و اصولگرا قابل تقسیم‌بندی هستند اما اثرگذاری و بازیگری آنها حائز اهمیت است. در چنین شرایطی موضع‌گیری دولت‌ها نسبت به فعالیت احزاب موافق و مخالف قابل تأمل است.

با نگاه به ساختار مناسب‌های سیاسی در کشور ما، جایگاه کم‌رنگ آنها به وضوح نمایان است. جریان‌های قدرتمندی که برای حفظ امنیت سیاسی خود در رأس حکومت تلاش کرده‌اند تا احزاب را از گردونه رقابت‌های سیاسی کنار بزنند، غافل از این بودند که این احزاب هستند که منجر به ثبات سیاسی در یک نظام خواهند بود. احزاب با ویژگی مهم توسعه سیاسی، مشارکت مردم در رخدادهای سیاسی را فراهم کرده و بر پایداری حاکمیت می‌افزایند. از همین روی یکی از دلایل کاهش مشارکت در انتخابات ادوار مختلف را

تعریف می‌شد و در دوره اول میرحسین موسوی از جریان راست بازار، مؤتلفه و راست حزب جمهوری در کنار جناح چپ حزب جمهوری و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و مجمع روحانیون مبارز بهره برد و تعاملات بسیاری هم در این محدوده صورت گرفت و بار دیگر بودند تشکل‌های سیاسی که با بی‌مهری دولت‌ها رویه‌رو می‌شدند. با پایان جنگ و روی کار آمدن دولت اکبر هاشمی‌رفسنجانی انتظار می‌رفت فرصت فعالیت سیاسی و تمایل به آن بیشتر شود اما عملاً تا پایان دولت او هم نه دولت تمایل داشت حاشیه‌نشینانی مانند نهضت آزادی و جبهه ملی را وارد فضای سیاسی کشور کند و نه محدودیت‌ها فرصت فعالیت حزبی گسترده به افراد می‌داد؛ با این وجود تشکیلات سیاسی حزب کارگزاران سازندگی تقسیم‌بندی جدیدی را شکل داد و از همان جناح راست موجود هم بال چپی حول محور دولت سازندگی که رهبر معنوی اش هاشمی‌رفسنجانی بود شکل گرفت. البته یکی از دلایل را باید در دیدگاه سیاسیون پس از انقلاب نسبت به احزاب دانست. مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در مصاحبه‌ای گفته بود که در دوران شاه دید خوبی به احزاب نداشتند اما در نهایت در دولت او حزب کارگزاران سازندگی تشکیل شد. وی وجود احزاب را ضرورت زمان می‌دانست و با وجود آنکه نخستین انتخابات حزبی در ایران پس از انقلاب را به انتخابات سال ۷۶ نسبت می‌دهند اما تلاش برای شرکت حزبی در انتخابات در سال ۷۴ و با شکل‌گیری حزب کارگزاران در دولت رفسنجانی بود که انجام شد.

جرقه تعامل با احزاب در دولت اصلاحات

در دوران ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی، صدور مجوز برای تشکیل احزاب و تشکل‌های سیاسی چشمگیر بود. او تعامل خوبی با احزاب داشت؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از تشکل‌ها مجدداً فعالیت‌های سیاسی خود را از سر گرفتند و فعالیت‌های حزبی و تشکیلاتی در این دوران بسیار پررنگ شد. احزاب بسیاری در این دوره آغاز به کار کردند و رئیس‌جمهور هم در ارتباط با احزاب و تشکل‌های همسو و غیرهمسو تعامل بسیاری داشت. از یک سو جلسات مرتب با حزب مؤتلفه، دیدارها با جامعه روحانیت مبارز و همچنین ارتباط مناسب با جبهه ملی و نهضت آزادی در کنار آزادی‌های تشکیلاتی که در آن زمان صورت گرفت هم موجی از تشکیل احزاب و تشکل‌ها مانند جبهه مشارکت و... را به راه انداخت و هم نگاه به فعالیت تشکیلاتی را بهبود بخشید تا جایی که بسیاری از تحلیلگران سیاسی اذعان دارند بهترین دوره فعالیت احزاب و تشکل‌ها در دوران اصلاحات بوده است و البته دولت هم در شنیدن صدای جریان مخالف و تشکل‌های غیرهمسو گوش شنو‌تری نسبت به ادوار قبل و بعدش داشته است؛ چنانچه چهره‌هایی هم مانند ابراهیم یزدی و محمد توفلی و سایر چهره‌های نهضت آزادی و جبهه ملی و هم حبیب‌الله عسگرآولادی و دیگر چهره‌های جناح راست سنتی از این دولت به نیکی یاد می‌کنند.

دوران سیاه احزاب در دولت احمدی‌نژاد

از دوران احمدی‌نژاد به عنوان روزهای سیاه فعالیت احزاب در کشور یاد می‌شود. احمدی‌نژاد نظر خود را درباره احزاب در یک جمله خلاصه کرده بود و همان مبنای عملکرد او در قبال احزاب بود: «نظام ما تنها یک حزب دارد و آن ولایت است.» او احزاب را کانون‌های غیرقانونی می‌دانست که نباید واسط بین دولت و ملت باشند و تعیین سرنوشت مردم باید بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای برگزار شود. یارانه احزاب که در دولت اصلاحات به تصویب رسیده بود، در دولت احمدی‌نژاد حذف شد و احمدی‌نژاد و نمایندگان او در دولت تمام تلاش خود را کردند که احزاب را در مقابل مردم و مخالف مطالبات آنها معرفی کنند. کمترین مجوز فعالیت حزبی‌ها در دولت احمدی‌نژاد صادر شد. وزارت کشور ساختمان خانه احزاب را از آنها پس گرفت و پس از اتفاقات سال ۸۸ فشارها برای کاهش فعالیت احزاب بیشتر شد و در حزب جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب